

کے ہم روانا فرما

تاریخ شفاهی زندگی

سپہبد خلبان شاپور آذر

معاون عملیاتی و جانشین

نیروی هوایی ارتش شاہنشاهی ایران

به کوشش حسین دهباشی

شناسنامه

مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران معاصر (جلد ۲)

فرماندهی و نافرمانی

تاریخ شفاهی، زندگی و آثار سپید خلبان شاپور آذربیزین

مدیر پروژه: حسین دهباشی

مصاحبه‌کننده: حسین دهباشی

مشاوران نظامی: حسین چیت‌فروش، احمد مهرنیا

مدیر محتوایی: حسن بهشتی‌پور

مدیر ویراستاری: آرشر حکمیان

ویراستار: حبیب‌اله اسماعیلی

سرانگاران: حسن بهشتی‌پور، نفیسه جعفرآبادی، فائزه رنجبران،

هاجر سادات، سعید غابدینی، فاطمه علیزاده

پاورقی‌ها: حسن بهشتی‌پور، نفیسه جعفرآبادی

اسناد و ضمایم: نفیسه جعفرآبادی، سمیرا حاتمی‌زاده،

فائزه رنجبران، مرضیه شرفی، سینا نوری

چکیده انگلیسی: نفیسه جعفرآبادی، علیرضا شکوهی، احمد ماشعی

مدیر هنری: مهدی دواپی

صفحه‌آرا: پانته‌آ حاجی‌جمشیدی

ناظر چاپ: نصرت‌اله امیرآبادی

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چاپ و صفائی: سپهر

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

غرب به شرق بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی

تلفن فروشگاه: ۸۱۶۲۳۳۱۵، تلفن دفتر: ۸۱۶۲۳۳۰۱

فهرست

	پیش‌گفتار ناشر
	پیش‌گفتار مولف
۱	نوبت اول
۲۹	نوبت دوم
۵۳	نوبت سوم
۸۵	نوبت چهارم
۱۰۷	نوبت پنجم
۱۳۳	نوبت ششم
۱۶۳	نوبت هفتم
۱۹۵	نوبت هشتم
۲۱۳	نوبت نهم
۲۲۷	نوبت دهم
۲۷۳	نوبت یازدهم
۲۸۷	نوبت دوازدهم
۳۱۱	نوبت سیزدهم
۳۲۵	نوبت چهاردهم
۳۵۵	نوبت پانزدهم
۳۷۷	نوبت شانزدهم

۴۰۳	نوبت هفدهم
۴۳۵	نوبت هجدهم
۴۸۹	نوبت نوزدهم
۵۲۷	نوبت بیستم
۵۵۹	نوبت بیست و یکم
۵۸۵	نوبت بیست و دوم
۶۵۵	تصاویر
۶۶۷	نقشه‌ها
۶۷۳	روز شمار نیرو هوایی
۶۹۹	منابع
۷۷۲	Abstract
۷۲۹	Introduction

«آنکه عبرت‌های روزگار پیش رو آید، تقوی از افتادن در شبهه‌ها باز دارد»

امام علی (ع) - نهج البلاغه خطبه ۱۶

هرچه جهان پیش‌تر می‌رفت و می‌آمید، جمع در هم فشرده‌تر می‌شود، ضرورت داشتن «فهم تاریخی» بیش‌تر به دست می‌خورد، به درستی اکنون می‌گویند که پیش‌روی انسان‌ها به شرف و تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار، بدون برخورداری از توان مطالعه تاریخی و «مطالعات تطبیقی» ناممکن است.

تاریخ اگرچه سرگذشت گذشتگان است، خواندن آن تنها مرده و بی‌جان نیست. در «فهم تاریخی» علاوه بر صورت بی‌حی و بی‌دمی و اطلاعاتی که به زبان می‌آید و یا بر سطور و خطوط نقش می‌بندد، تلاش به سوی درک گفتمانی می‌رود که آن صورت زبانی نمایه‌ی بی‌روح آن است. در «فهم تاریخی»، صورت زبانی هرچه باشد - گفته یا نوشته - پیش از آنکه شبکه پیچیده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به شمار می‌آید و معنای آن را یا نوشتار علاوه بر جمله و مضمون در بافت و موقعیت گفتمانی آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

فهم «متون تاریخی» مستقل از «زمینه» و «گفتمان» آن ناقص و ناممکن است. متن، حاصل و نتیجه گفتمان است و به سخن دیگر گفتمان فرآیند و متن فراورده آن است. گفتمان پویا و متن ایستاست. گفتمان بی مخاطب نمی‌تواند پیش رود و فهم متن در هر لحظه نیازمند مخاطبی است که توان «رمزگشایی» آن را یافته باشد. درواقع آن سوی هر متن تاریخی، مخاطبی قرار دارد که متن را می‌خواند و یا می‌شنود و فرض بر این است که او نیز مجهز به «توانش ارتباطی» هست و قابلیت‌های لازم برای شنیدن و یا خواندن متن را از ورای سالیان و قرون دارد؛ بنابراین

باید گفت در «فهم تاریخی» توانش دریافتی خواننده یا شنونده حداقل همسنگ توانش تولیدی نویسنده و یا گوینده است و در گفتمان تاریخی چگونگی تولید و سامان گرفتن یک متن -چه کتبی و چه شفاهی- از جانب تولید کننده و فرآیند درک آن از جانب مخاطب به یک نسبت اهمیت دارند؛ «رمزگذار» و «رمزگشای متن» را باید همواره در کنار هم در نظر داشت.

با این نگاه، فاصله میان «زمان معاصر» و «زمان گذشته»، «تاریخ نگاران» و «متفکران علوم اجتماعی» و نهادها و سازمان‌های متولی امور اسنادی و تاریخی» و «نهادهای دست‌اندرکار امر توسعه» کمتر می‌شود و جامعه از مواجهه با تاریخی که بیشتر بازنمایی جنگ‌ها و منازعات سیاسی است به سوی وجوه اجتماعی و فرهنگی آن سوق پیدا می‌کند. در این صورت است که «تاریخ فرهنگی» و «تاریخ اجتماعی» با رویکردهای میان رشته‌ای، روش‌های اصلی علوم انسانی یعنی تاریخ و فرهنگ و علوم اجتماعی را پیوند می‌دهد و در پیوند با هم می‌بینند و مورخان و نظریه‌پردازان حوزه‌های فرهنگی و اجتماع همسایگان فکری خوبی برای همدیگر می‌شوند.

تجربه نشان داده‌اند که قرآن کریم به «سیر انفسی و آفاقی» برای ارتقاء هم مسلمانان دارد و دعوت عامی که به تامل در «سنت‌ها» و «عبرت‌ها» منتهی می‌شود در همه متون دینی به چشم می‌خورد، مسئولیت مضاعفی برای خودداری از «فهم تاریخی» در برابر ما می‌نهد و در این گونه «فهم تاریخی» گذشته‌ها را به راه آینده‌اند که باید آن‌ها را درست خواند و دقیق فهمید و عبادت‌ها را تا بتوان امروز و آینده‌ای بهتر بر پایه اشتباهات کمتر و تجربه‌های بیشتر بنا کرد.

تاریخ معاصر ایران، به رغم حادثه‌نگاری‌ها و تاریخ‌نویسی‌های فراوان، هنوز چنانکه باید در گفتمان «فهم تاریخی» و «سنت‌ها» انتقادی تاریخی» جای نگرفته است. بازگویی‌ها و بررسی‌های ساده‌ها و حوادث تاریخی معاصر، گاه با پیش‌فرض‌ها، تصورات ذهنی و قالبی، جهت‌گیری‌های سیاسی و نگاه‌های پسینی به وقایع پیشین و گاه با گریز از ورود به مسائل دشوار و پیچیده سیاسی همراه بوده است که نهایتاً به تحقیقات مرده و پیش‌پا افتاده تاریخی از سوی نهادها و مراکز پژوهشی رسمی بیشتر میدان و سروسامان داده است تا «مطالعات انتقادی تاریخ

معاصر» حاصل این تأخیر و تأخر فرهنگی و علمی در زمینه‌های مطالعه و نقل و نقد تاریخی آن شده است که در برخی موارد صورت زبانی تحولات جامعه ایرانی که بزرگترین انقلاب مردمی دهه‌های پایانی قرن بیستم را رقم زده است و به نام خدا به دنیای اندیشه سیاسی معاصر، ورودی تأثیرگذار داشته است، بیش از «خود» از سوی «دیگران» به میان آید و میانه مهم تاریخ معاصر ایران در قالب اسناد، تاریخ شفاهی و خاطرات، تسلط مباح و دستگاه‌های رسمی و غیررسمی در خارج از ایران بیش از داخل کشور صورت مکتوب و مضبوط به خود بگیرد.

تاریخ شفاهی در این سال‌ها و ضرورت‌ها جایگاهی ویژه دارد، امروز فهم گفتمانی و نقدی تاریخ بدون اهتمام علمی به این بخش از مطالعات تاریخی ناممکن است. تاریخ شفاهی را نمی‌توان به مصاحبه یا محاکمه فروکاست. تاریخ شفاهی نمی‌تواند از پژوهش‌های کیفی در باب مسائل تاریخی است که از قوا و اقبال‌ها در حوزة معرفت تاریخی پیروی می‌کند و طبیعتاً بیش از هرگز صحت و مذاکره بی‌هدف از جنس «گفتگو» است. در این نوع تحقیق که به غم‌بینی نسبتاً طولانی‌اش در جهان، عمر بسیار کوتاهی در ایران دارد، به روش‌شناسی پژوهش و لوازم آن وفادار بود و پذیرفت که:

۱- محقق تاریخ شفاهی به اعتبار دغدغه و حس مهارت لازم بتواند با طرحی از پیش تعیین شده یافته‌های اجمالی خود را در باب «فرد»، «تهداد» و یا «رخدادی» تاریخی در فرآیند گفتگویی آزاد و بی‌الزام به تفصیل و تکمیل نزدیک کند و به وادی پراکنده‌کاری و پراکنده‌گری نیفتد.

۲- مطالعات پیشینی و شواهد متقن در فرآیند تحقیق تاریخ شفاهی به جای پیش‌داوری‌ها و همسویی‌ها و ناهم‌سویی‌های نابجای محقق با متن‌نشینند.

۳- پژوهش‌گری و پژوهش در این نوع تحقیق با «رخدادها» سروکار ندارد، دستمایه او تعبیر کنش‌گران از وقایع و رویدادهاست، از این‌رو اساس کار تاریخ شفاهی در شمار «تاویل» و تفسیر است.

۴- تقلل خاطرات کنش‌گران در رخدادها، تاریخی، چه آنجا که معطوف به «خود» است و چه مربوط به غیر، نهایتاً به میدان آوردن یک شاهد و سند است و نه بیشتر که به دانش بین‌الذهانی می‌افزاید ولی الزاماً مستند هر نقل و نقدی نمی‌شود. این وظیفه هر محقق است که برای تبدیل این سند و شاهد به مستندی معتبر در تاریخ شفاهی پژوهش‌های بعدی را

سامان دهد و پروژه را در یک جا متوقف نسازد.

۵- در پیدایش هر متنی از تاریخ شفاهی، کنش‌گر در مقام «اطلاع‌رسان» است که کار محقق ثبت و ضبط بدون پیرایه و آرایه سخن و سند و تصویر اوست. پس از آن باید به دانش و توانش مخاطبان اعتنا کرد که امکان فهم‌ها و تعبیرهای متفاوت با گفتارها و نوشتارهای کنش‌گران را در تاریخ فراهم می‌کنند.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در فرآیند تکوین و توسعه خود، دامنه توجه به مطالعات تاریخی را به طور عام و تاریخ شفاهی را به طور خاص گسترده‌تر کرده است. سابقه کار در این حوزه به بهمن‌ماه سال ۱۳۷۱ برمی‌گردد که اداره‌ای به نام «آرشیو شفاهی» در مدیریت خدمات آرشیوی این نهاد آغاز به کار کرد و پس از آن کوشش شد تا بر پایه سه موضوع «افراد» «رخدادها» و «نهادهای» موثر در تاریخ معاصر ایران مصاحبه‌های کارشناسانه به انجام رسد. حاصل کار تا کنون بیش از ۲۵۰ مصاحبه است. همچنین ۶۲۰ شخصیت تأثیرگذار تاریخی است که بخشی از آن‌ها در قالب کتاب‌های مستقل یا فصل‌نامه گنجینه اسناد منتشر شده است؛ البته باید بر این تلاش‌ها، برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و نمایشگاه‌های تخصصی در باب تاریخ شفاهی و نیز فراهم ساختن مقدمات تأسیس «پژوهشکده ملی تاریخ شفاهی و تصویری ایران» را نیز افزود.

آنچه اینک پیش‌روست، بخشی از اصول و روش‌ها و توجه‌ها به تاریخ شفاهی ایران است. «پروژه تاریخ شفاهی و تصویری ایران در عصر پهلوی دوم» که به همت پژوهشگری جوان و پر دغدغه به اجرا رسیده است، مهمترین و بزرگترین پروژه تاریخ شفاهی ایران در نوع خود و مجموعه‌ای از ده‌ها گفتگوی پژوهشی با تصمیم‌سازان و بازیگران اصلی عصر پهلوی دوم است که پس از حدود ۱۴ سال پیگیری و تلاش، در خلال صدها ساعت مصاحبه صوتی و تصویری و گردآوردن دانه به دانه هزاران سند تاریخی گنجینه بی‌نظیر و دست‌اولی از تجارب، کامیابی‌ها و ناکامی‌های

حکومت‌داری در ایران تبدیل شده است. در این مجموعه همکاری‌ها و مساعدت‌های جمع بزرگی از پژوهشگران و ایران‌شناسان و مورخان فرهیخته در داخل و خارج از کشور با حمایت نهادهای معتبر فرهنگی و پژوهشی این مهم را میسر ساخته تا در قالب ۶۴ عنوان مصاحبهٔ تفصیلی با مهمترین و تاثیرگذارترین کنش‌گران و تصمیم‌سازان سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی دوران پهلوی دوم تدوین شود.

دستی انداخته به راه دشوار که برای نخستین بار فرزندان و علاقمندان انقلاب اسلامی ایران با خطر کردن و تحمل سختی‌های فراوان توانستند با شخصیت‌های مهم و صاحب‌مسئولیت ساز حکومت گذشته از نزدیک به گفتگو بنشینند و به ثبت و ضبط بخشی از خاطرات و روایت‌های آنان از وقایع و حوادث مهم ایران بپردازند. منتقدانه و شجاعانه «حسین دهباشی» در خور توجه و تقدیر است که در مقام پژوهشگری تحصیل کرده، جوان و صبور، وجوه نفع و نیاز جامعه ایران را بر عاقبت‌جویی و کناره‌گزینی ترجیح داد و برای پیشبرد این میراث دشوار برخطر از زندگی آرام خود گذشت و داوری‌های شتابزده از هر سو را به جان خرید تا نشان دهد که ظرف تاریخ و فهم و نقد تاریخی را باید از گنجینهٔ مصاحبت‌انگیزی‌های روزمره دانست. درواقع این مجموعه پژوهش‌ها را می‌توان پاره‌ای از فرهنگ اسلامی و ایرانی در طول تاریخ دانست که در آن نه تنها سخنان مخالفان همواره شنیده شده بلکه به گونه‌ای در تاریخ نیز ماندگار است. در این میراث درخشان اسلامی، حق داوری به جای سزیش گذاشته و رهگذران و مخاطبان تاریخ سپرده شده است تا آنان سره‌ها را به حساب جدا سازند. پس این «سنت‌ها» و «عبرت‌های» تاریخی‌اند که نقد و عیار می‌گیرند نه واهمه از نقل‌ها و روایت‌های تاریخی بر این پایه.

در این پروژه نیز چنین پیش‌آمد که باب نقد بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران گشوده شود تا جامعهٔ امروز ما بتواند در پرتوی آن «فهم تاریخی» توان خویش را با درک اینکه چرا رژیم پهلوی در برابر انقلاب شکوهمند مردم ایران و معمار فقید آن حضرت امام خمینی (ره) فروپاشید و چرا باید فرومی‌پاشید مسئلهٔ مهم امروز ماست. تاریخ آموزگار جامعه است و باید در پرتوی دانش این معلم به قدرت نقد و فهم انتقادی در این باب و هر باب تازهٔ دیگر دست یافت.

هر که نامتخت از گذشت روزگار

نیز ناموزد ز هیچ آموزگار